

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۵، قوم خدا در عهد عتیق، خدای آنها، کفاره

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۵، قوم خدا در عهد عتیق، خدای آنها، کفاره است.

ما سخنرانی‌های خود را در مورد دکترین کلیسا یا کلیساشناسی ادامه می‌دهیم.

بیاید خداوند را بجوییم. پدر مهربان، از تو سپاسگزارم که خود را در کلامت به ما آشکار کردی. از تو سپاسگزارم که پسرت را فرستادی تا ناجی جهان، حتی ناجی ما باشد. از تو سپاسگزارم که روح القدس را به قلب‌های ما فرستادی تا بدانیم که تو پدر ما هستی و ما فرزندان تو. عشق ما را به خداوند عیسی و کلیسای او و قومش افزایش ده. در حین مطالعه، ما را برکت ده؛ خانواده‌های ما را نیز به نام مقدس عیسی برکت ده. آمین.

ما در حال مطالعه قوم خدا در عهد عتیق هستیم. ما به آغازها با آدم و حوا در باغ، عهد و پیمان‌ها از نوح تا عهد جدید، انتخاب، رهایی از اسارت نگاه کرده‌ایم و اکنون به یک عنوان می‌رسیم: قوم خدا و خدای آنها.

خود یهوه قوم عهد عتیق خود را تعریف می‌کند. هویت آنها فقط در ارتباط با او قابل درک است. بنابراین، ما نام و صفات او را مطالعه می‌کنیم.

وقتی خدا موسی را فرا می‌خواند و او را نزد بنی اسرائیل می‌فرستد، می‌پرسد، اگر من نزد بنی اسرائیل بروم و به آنها بگویم، خدای اجدادتان مرا نزد شما فرستاده است، و آنها از من بپرسند، نام او چیست؟ چه باید به آنها بگویم؟ پاسخ خداوند برای درک هویت او و قومش بسیار مهم است. خدا به موسی پاسخ داد، من همانم که هستم. این چیزی است که شما باید به بنی اسرائیل بگویید. من این پیام را برای شما می‌فرستم.

خدا همچنین به موسی گفت که به بنی اسرائیل بگویید، خداوند، خدای اجداد شما، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب مرا نزد شما فرستاده است. این نام من برای همیشه خواهد بود. اینگونه است که در هر نسلی از من یاد خواهد شد، خروج ۱۴: ۳ و ۱۵.

بنابراین، ما به نام خدا و صفات خدا نگاهی خواهیم انداخت و خواهیم دید که چگونه خود خدا به تعریف قوم عهد عتیق - نام خدا - کمک می‌کند. معنای نام خدا توسط مفسران و مترجمان مورد بحث قرار گرفته است.

کریستوفر مورگان خلاصه مفیدی را در کتاب *الهیات مسیحی خود*، صفحه ۹۱، ارائه می‌دهد. این وحی به موسی، واسطه عهد سینا، بسیار مهم است زیرا با آن، خدا هویت خود را برای همیشه اعلام می‌کند. اولاً، خدا اعلام می‌کند که او «من هستم» است. او از همان فعلی که در وعده‌اش برای بودن با قومش، آیه آمده است، استفاده می‌کند و بر وفاداری خود به عهدش با آنها تأکید می‌کند. ثانیاً، «من هستم»، از فعل ۱۲، بودن، آزادی مطلق خدا را نیز آشکار می‌کند. او به بنی اسرائیل وابسته نیست، بلکه آنها به او وابسته‌اند. ثالثاً، خدا «من هستم» را با «یهوه» جایگزین می‌کند، که در آیه ۱۵ به «خداوند» ترجمه شده است، و می‌گوید که او خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب است. او خداوندی است که به عهد خود با قومش پایبند است.»

خداوند قوم خود را در رابطه با خود تعریف می کند. او وفادار است و هرگز آنها را رها نخواهد کرد. او حاکم مطلق است و وجود آنها به لطف رایگان او بستگی دارد.

او با آنها پیمان می بندد و آنها را قوم عهد خود می داند، حتی در حالی که خود را به آنها متعهد می کند. صفات خدا. خدا همچنین خود را در عهد عتیق با آشکار کردن صفاتش آشکار می کند و این صفات نیز برای درک قوم او حیاتی هستند.

معمولاً صفات غیرقابل انتقال خداوند را از صفات قابل انتقال او متمایز می کنند. صفات اول، ویژگی هایی از خداوند هستند که منحصر به خود او هستند و با انسان ها مشترک نیستند و غیرقابل انتقالند. صفات دوم، ویژگی هایی هستند که او با انسان ها مشترک است و قابل انتقالند.

صفات غیرقابل انتقال خدا. این صفات شامل ذات، ارمیا ۱۳: ۲. وحدت، تثنیه ۴: ۶ و ۵. معنویت، او موجودی روحانی و بدون جسم است، خروج ۱: ۶-۴. بی نهایت، مزمور ۵: ۱۴۷، اشعیا ۱۵: ۵۷. حضور مطلق اول پادشاهان ۸: ۲۷، ارمیا ۲۳: ۲۳ و ۲۴. قدرت مطلق، تثنیه ۴: ۳۷، اشعیا ۲۶: ۴۰. علم مطلق، ایوب مزمور ۵: ۱۴۷. ابدیت، مزمور ۹۰: ۹-۱۰، آیات ۲ و ۴. تغییرناپذیری، مزمور ۲۷: ۱۰-۲، ملاکی ۳: ۶. و، ۲۴: ۲۸. عظمت، خروج ۱۱: ۱۵، مزمور ۸۶: ۸-۱۰. باید دوباره به این موضوع پردازم چون آیات زیادی وجود دارد.

از جمله ویژگی های غیرقابل انتقال خداوند می توان به بی همتا بودن او اشاره کرد. او آغازی ندارد. او منشأ خودش است.

این حتی درست نیست. من دوست دارم اینطور بگویم. او منبعی ندارد.

او خدای زنده است. او بی علت است، معنای بی همتا بودن، ارمیا ۱۳: ۲. وحدت، او یکی است، تثنیه ۴: ۶ و ۵. معنویت، او بدن ندارد، خروج ۱: ۶-۴. در واقع، اثبات بی نهایت بسیار دشوار است. و این آیات به نوعی در این جهت گرایش دارند، من اینطور بیان می کنم.

به عبارت دیگر، من مطمئن نیستم که آیا یهودیان تصویری از بی نهایت داشته اند یا خیر. در هر صورت، مزمور اشعیا ۱۵: ۵۷. من منکر بی نهایت بودن خدا نیستم. فقط می گویم که بیان آن برای کلمات انسانی، ۵: ۱۴۷. دشوار است.

حضور مطلق، اول پادشاهان ۸: ۲۷. او نام خود را در معبد آشکار می کند. او در آنجا حضوری ویژه دارد، اما آسمان و زمین را در بالاترین آسمان پر می کند. او محدود به معبد نیست.

ارمیا ۲۳: ۲۳-۲۴. قدرت مطلق، تثنیه ۴: ۳۷، اشعیا ۴۰، آیه ۲۶. علم مطلق، ایوب ۲۴: ۲۸، مزمور ۵: ۱۴۷. ابدیت، مزمور ۹۰، آیات ۲ و ۴. تغییرناپذیری، مزمور ۲۷: ۱۰-۲، ملاکی ۳: ۶. و عظمت، خروج ۱۱: ۱۵، مزمور ۸۶: ۸-۱۰. این ویژگی ها نشان می دهد که او در صفات قابل انتقال، بسیار متفاوت از ماست. ۱۰-۸۶: ۸.

آنها باعث می شوند که قومش از او بترسند و به او خدمت کنند. در کلامش، او ویژگی هایش را به قومش خدمت می کند. در اینجا نمونه هایی از ویژگی های خدا که از ویژگی های او استفاده می کنند، آورده شده است. خدا در ویژگی هایش، به قومش خدمت می کند.

ذات، وحدت و معنویت او ما را از بت پرستی برحذر می دارد. تثنیه ۱۵: ۴-۲، ارمیا ۱۳: ۲. ذات او، او بی علت است، او هیچ علتی ندارد. وحدت و معنویت ما را از بت پرستی برحذر می دارد.

برای خود مجسمه نسازید، زیرا خدا روح است. وقتی او از میان آتش با شما سخن گفت، هیچ صورتی ندیدید، تثنیه ۱۵:۴-۲۰، ارمیا ۱۳:۲. او از منابع بی‌کرانش، بی‌نهایت، به ما توجه می‌کند و ما را تجدید می‌کند. اشعیا ۱۰:۴۰-۱۱. اشعیا ۲۹:۴۰-۳۱. حتی مردان جوان، مردان جوان پرانرژی نیز خسته می‌شوند.

مایلی نمی‌دوند. آنها می‌میرند. خدا حتی دوندگان مارتن را نیز تقویت می‌کند ۲۰۰۰.

منابع بی‌کران او، در منابع بی‌کرانش، او از قوم خود مراقبت می‌کند و آنها را احیا می‌کند. اشعیا ۱۰:۴۰-۱۱ همیشه با ماست تا ما را رهبری و محافظت کند. مزمور ۱۳۹:۷-۱۱. از حضور تو کجا می‌توانم. ۱۱:۲۹-۳۱. فرار کنم؟ هیچ جا، هیچ جا.

او از قدرت متعال خود برای رهایی ما استفاده می‌کند. خروج ۳۰:۱۴-۳۱، تثنیه ۴:۳۷. خروج ۳۰:۱۴-۳۱، تثنیه ۴:۳۷. او از قدرت مطلق خود برای رهایی قومش استفاده می‌کند. او دانش بی‌نهایت دارد، ما را از نزدیک می‌شناسد و ما را در حیرت فرو می‌برد.

مزمور ۱۳۹: ۱-۶. مزمور ۱۴۷: ۵. چنین افکاری برای من بیش از حد عجیب است. نمی‌توانم آنها را در خود جای دهم، مزمورنویس می‌گوید. مزمور ۱۳۹: ۱-۶. مزمور ۱۴۷: ۵. ابدیت او، او را پناهگاه ما می‌سازد.

مزمور ۹۰: ۱-۲. از ازل تا ابد، تو خدا هستی. از میان همه نسل‌ها، تو پناهگاه ما بوده‌ای. مزمور ۹۰: ۱-۲. تغییرناپذیری بی‌نظیر او، تغییرناپذیری او، ما را حفظ می‌کند.

این حقیقت که او تغییر نمی‌کند، ما را حفظ می‌کند. مزمور ۱۰۲: ۱-۲، ملاکی ۳: ۶. چون من، خداوند، تغییر نمی‌کنم، شما، ای فرزندان یعقوب، نابود نشده‌اید. وگرنه، بارها نابود می‌شدید.

مزمور ۱۰۲: ۲۷، ملاکی ۳: ۶. عظمت بی‌همتای او ما را به پرستش و می‌دارد. خروج ۱۱: ۱۵. مزمور ۸۶: ۸-۱۰. عظمت بی‌همتای خدا، ما را به دنبال کلمات می‌گرداند. مزمور ۱۵۰.

عظمت عظمت او. عظمت بیکران او، مترجمان می‌گویند. او را به خاطر کارهای توانایش ستایش کنید.

او را به خاطر عظمت والایش ستایش کنید. عظمتِ عظمتِ بی‌همتای او. عظمت بی‌همتای او ما را به پرستش وامی‌دارد.

خروج ۱۱: ۱۵. مزمور ۸۶: ۸-۱۰. صفات قابل انتقال خدا. اینها صفاتی هستند که او با ما به اشتراک می‌گذارد. حتی در مورد کل این تمایز بین غیرقابل انتقال و قابل انتقال نیز مشکلاتی وجود دارد.

الان وقت ندارم به این موضوع پردازم. با این حال، منبعی برای شما وجود دارد. کریستوفر مورگان، *الهیات مسیحی*، 117-119، در مورد مشکلات و اینکه چرا هنوز از این برچسب‌ها استفاده می‌کنیم و نقاط قوت و ضعف این کار بحث می‌کند.

دیگر بس است. صفات قابل انتقال خدا. این صفات شامل شخصیت می‌شود، اشعیا ۴۵: ۲۲. خدا شخصی است که دارای عقل، احساسات و اراده است.

حاکمیت، تثنیه ۴: ۳۹. مزمور ۱۰۳: ۱۹. حکمت، تثنیه ۹: ۳۴. ایوب ۱۳: ۱۲. راستگویی، اول سموئیل ۱۵: ۲۹. اشعیا ۴۵: ۱۹. ایمان، یوشع ۲۱: ۴۵. مزمور ۸۹: ۱ و ۲ و ۵. تقدس، لایوان ۴۴: ۱۱. اول سموئیل ۱۰: ۶. عدالت، خروج ۳۴: ۷. مزمور ۱۱: ۷. محبت، خروج ۳۴: ۶ و ۷. ارمیا ۳۱: ۳. فیض، خروج ۳۴: ۶. هوشع ۳: ۱.

رحمت، خروج ۳:۷. مزمور ۱۰۳:۱۰. نیکویی، مزمور ۱۴۵:۹. نحمیا ۹:۲۵. صبر، خروج ۳۴:۶. مزمور ۱۰۳:۸. اشعیا ۶:۱-۶:۶. جلال، مزمور ۲۹:۳.

یک بار دیگر. ویژگی‌های خدا که او با ما به اشتراک می‌گذارد شامل شخصیت است، اشعیا ۴۵:۲۲. حاکمیت تثنیه ۴:۳۹. مزمور ۱۰۳:۱۹. حکمت، تثنیه ۳۴:۹. ایوب ۱۲:۱۳. شما می‌گویید، تثنیه ۳۴ اینجا زیاد ظاهر می‌شود. ببخشید، من به خروج ۳۴ فکر می‌کنم. خروج ۳۴ اینجا زیاد ظاهر می‌شود. مطمئناً همینطور است. جایی است که خدا نام خود را آشکار می‌کند. اما این درست بود. حکمت، تثنیه ۳۴:۹. ایوب ۱۲:۱۳. راستگویی، اول سموئیل ۱۵:۲۹. اشعیا ۴۵:۱۹. وفاداری، یوشع ۲۱:۴۵. مزمور ۸۹:۱ و ۲ و ۵. تقدس. لاویان ۱۱:۴۴. اول سموئیل ۶:۱۰. عدالت، خروج ۳۴:۷. مزمور ۱۱:۷. عشق، خروج ۳۴:۶ و ۷. ارمیا ۳۱:۳. فیض، خروج ۳۴:۶. هوشع ۳:۱. رحمت، خروج ۳:۷. مزمور ۱۰۳:۱۰. خوبی، مزمور ۱۴۵:۹. نحمیا ۹:۲۵. صبر، خروج ۳۴:۶. مزمور ۱۰۳:۸. و جلال، مزمور ۲۹:۳. اشعیا ۱-۶:۸. اگرچه فاصله بین صفات غیرقابل انتقال خدا و صفات انسانی بیشتر است، اما هنوز شکاف بزرگی بین صفات قابل انتقال خدا و صفات ما وجود دارد. تفاوت بین حکمت، قدوسیت و عشق خدا و حکمت، قدوسیت و عشق ما را در نظر بگیرید.

با ذکر سه مثال. با این وجود، همه انسان‌ها برخی از ویژگی‌های قابل انتقال خدا را از خود نشان می‌دهند، زیرا او آنها را به تصویر خود آفریده است. آیا من شامل افراد نجات نیافته نیز می‌شوم؟ بله، همینطور است.

با این حال، آنها به عنوان موجوداتی محدود، تحت فرمان خالق نامحدود خود زندگی می‌کنند. و به عنوان انسان‌های سقوط کرده، حتی مقدسین بزرگ، در این زندگی به طور بسیار ناقصی خدا را منعکس می‌کنند. با این حال، ما بازنمایی‌های جزئی از صفات قابل انتقال خدا را در قوم او می‌بینیم.

در اینجا، نمونه‌های خاصی از چگونگی تأثیر این ویژگی‌ها بر باورهای بنی اسرائیل را ذکر می‌کنیم. ما در مورد قوم خدا در عهد عتیق صحبت می‌کنیم. و اکنون در مورد چگونگی تعریف آنها توسط خدایشان صحبت می‌کنیم.

در اینجا، با صفاتش، ویژگی شخصیتی خدا به قومش این امکان را می‌دهد که او را شخصاً بشناسند. او برخلاف خدایان ادیان جهانی، با جهان هستی یکسان نیست.

او موفق شد. او آن فرد کاملاً متعالی که آنقدر دور از دسترس است که هیچ رابطه‌ای ندارد، نیست. او کاملاً از دیگران جدا شده است.

او کاملاً متعالی نیست. او یک آگاهی برتر در درون ما نیست. مزخرفات عصر جدید.

شناخته می‌شود و می‌تواند شناخته P ببخشید، فرانسوی من اشتباه است. اما او کسی است که با حرف بزرگ شود. سخنان داوود را در نظر بگیرید، مردی که پیرو قلب خداست.

اول سموئیل ۱۳:۱۴. ای خداوند، ای قوت من، تو را دوست دارم. مزمور ۱۸:۱. او از خدا خواست، نقل قول می‌کنم، عشق وفاداران را بر کسانی که تو را می‌شناسند، جاری کن.

مزمور ۳۶:۱۰. اگرچه ما نمی‌توانیم کاملاً آن را درک کنیم، اما کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خداوند کاملاً حاکم است در حالی که انسان‌ها آزادی واقعی دارند. یوسف حتی زمانی که برادرانش به او خیانت کردند، حاکمیت خداوند را تصدیق کرد.

او گناه برادرش را که او را به بردگی فروخت، انکار نکرد. اما به یک هدف نهایی تر نگاه کنید. نقل قول، این شما نبودید که مرا به اینجا، مصر، فرستادید، جایی که او تحت حکومت فرعون حکومت می کرد، بلکه خدا، پیدایش ۴۵، ۸. یوسف اعتراف کرد، نقل قول، شما علیه من نقشه شومی کشیدید.

خدا این را برای خیریت تدبیر کرد تا نتیجه فعلی، یعنی بقای بسیاری از مردم را به ارمغان بیاورد. پیدایش ۵۰:۲۰. بسیاری از مردم، از جمله برادران فاسد او.

خداوند از طریق موسی، به یوشع حکمتی را که برای رهبری قوم خدا نیاز داشت، عطا کرد. نقل قول: یوشع، فرزند هیچ کس، از روح حکمت پر بود زیرا موسی دست های خود را بر او نهاده بود. تثنیه ۹:۳۴. هنگامی که خداوند خواب نبوکدنصر و تعبیر آن را بر دانیال آشکار کرد، دانیال، نقل قول: خدای آسمان ها را ستایش کرد. و اعلام داشت: باشد که نام خدا تا ابد ستایش شود زیرا حکمت و قدرت از آن اوست.

دانیال ۲:۲۰. او نگفت، اوه، چه آدم باهوشی هستم. او در جای مناسب از من تعریف کرد.

بله، آنها از آن او هستند، حکمت و قدرت. و با مهربانی، نقل قول می کنم، خداوند به قوم خود حکمت می بخشد. امثال ۲، ۶. نویسنده مزمور به خدای حقیقت توکل می کند.

این یک نقل قول است. مزمور ۳۱:۵. کسی که کلامش نه تنها تا حدی، بلکه در تمام آن صادق است. مزمور ۱۱۹:۱۶۰.

بنابراین، قوم خدا راه حقیقت را انتخاب می کنند. اینها همه نقل قول هایی از مزمور ۱۱۹، آیه ۳۰ هستند. و از او بخواهید که هرگز کلام حقیقت را از دهان آنها نگیرد.

آیه ۴۳. در اینجا ابراهیم برجسته است، نقل قول می کنم، که به خداوند ایمان آورد و خداوند او را پارسایی شمرد. پیدایش ۱۵:۶. پس جای تعجب نیست که عهد جدید، ابراهیم را الگویی از کسانی می داند که معتقدند خدا و کلام او فقط حقیقت را می گویند.

رومیان ۴:۱۶ تا ۲۲. غلاطیان ۳:۵ تا ۹. عبرانیان ۱۱:۸ تا ۱۰:۱۷ تا ۱۹. رومیان ۴:۱۶ تا ۲۲.

غلاطیان ۳:۵ تا ۹. عبرانیان ۱۱:۸ تا ۱۰. عبرانیان ۱۱:۱۷ تا ۱۹. در حالی که برای سقوط اورشلیم سوگواری می کنیم، نقل قول کنید، قلب ما به خاطر کوه صهیون که ویران شده است، بیمار است.

مراثی ۵:۱۷. بنی اسرائیل وفادار، محبت وفادارانه خداوند را به یاد دارند و از آن نقل قول می کنند. مراثی ۳:۲۲.

و اعلام کنید که وفاداری شما عظیم است. آیه ۲۳. آنها آینده را به خدای پیمان بند خود می سپارند.

نقل قول، خداوند نصیب من است. بنابراین، امیدم را به او خواهم بست. مراثی ۵:۲۴.

آنها فریاد می زنند، پروردگارا، ما را به سوی خود بازگردان تا برگردیم و روزهایمان را مانند گذشته تجدید کنیم. آیه ۲۱. اشعیا آسیب تقدس خدا را تجربه می کند.

وقتی سرافیم تجلی خدا را می بیند که به عنوان پادشاه در معبد خود نشسته است، قدوسیت و جلال خدا را اعلام می کند. بنابراین، اشعیا فریاد می زند، نقل قول: وای بر من، زیرا من نابود شده ام زیرا مردی ناپاک لب

هستم و در میان مردمی ناپاک لب زندگی می‌کنم زیرا چشمانم پادشاه، خداوند لشکرها را دیده است. اشعیا
خداوند با رحمت خود، اشعیا را به طور نمادین پاک می‌کند و می‌بخشد. ۶:۵.

و پیامبر داوطلبانه به خدا خدمت می‌کند. آیات ۶ تا ۸. برای قوم عهد عتیق، عدالت خدا به این معنی است
که، نقل قول می‌کنم، او اعمال صالح را دوست دارد. مزمور ۱۱: ۷. این بدان معناست که او گناهکار را
بی‌مجازات نخواهد گذاشت.

خروج ۳۴:۷. و جهان را با عدالت و ایمان داوری خواهد کرد. مزمور ۹۶:۱۳. برای برده عبری، عدالت خدا
همچنین به این معنی است که او پس از شش سال بندگی با اربابش، به او اهمیت می‌دهد و آزادی را مقدر
می‌کند، نه اینکه او را دست خالی بفرستد، بلکه با سخاوتمندی از گله، خرمنگاه و چرخشت

تثنیه ۱۳:۱۵ تا ۱۴. برای اربابان عبری، عدالت خدا به این معنی است که در رفتارشان با بردگان، به یاد داشته
باشند که آنها قبل از اینکه خداوند آنها را نجات دهد، در مصر برده بودند. تثنیه ۱۵:۱۵.

مکاشفه بزرگ شخصیت خدا در خروج ۳۴: ۶ و ۷، بر رحمت، لطف، بردباری، عشق پایدار و وفاداری خدا
تمرکز دارد. آیات ۶ و ۷. این ویژگی‌ها در رفتار خدا با پادشاه داوود می‌درخشند. پس از ارتکاب گناهان بزرگ
خود، داوود با بتشیع، همسر مرد دیگری، زنا کرد و سپس با کشتن شوهر بتشیع، اوریا، آن را لاپوشانی کرد.

دوم سموئیل ۲:۱۱ تا ۴:۱۴ تا ۱۷. پس از توبه داوود و تولد و مرگ نوزاد نامشروع، داوود از سوگواری دست
کشید. او بتشیع را تسلی داد، با او همبستر شد و بتشیع سلیمان را به دنیا آورد.

کلمات بعدی جالب هستند. نقل قول: او پسری به دنیا آورد و نام او را شلومو، سلیمان، گذاشت. خداوند او
را دوست داشت و از طریق ناتان نبی پیامی فرستاد که به خاطر خداوند، او را یدیدیا نامید.

دوم سموئیل ۲۴:۱۲، ۲۵. یدیدیا به معنای محبوب خداوند است، و او واقعاً محبوب خداوند بود. سلیمان
جانشین داوود به عنوان پادشاه شد، معبدی ساخت و صلح و امنیت را برای ملت به ارمغان آورد.

با اول تواریخ ۲۲:۹ مقایسه کنید. برای اطلاعات بیشتر به تفسیر وانوی از اول و دوم سموئیل، صفحه ۳۳۶
مراجعه کنید. زندگی هوشع به طرز درخشانی فیض خدا را روشن می‌کند. پیامبر با ازدواج با جومر، زنی که طبق
تفسیر وانوی، احتمالاً فاحشه بود، از خدا اطاعت کرد.

هوشع ۱، ۲ و ۳. هم اعمال همسر و هم نام فرزندانش نماد زنای معنوی و بت‌پرستی اسرائیل است. برای
مثال، خدا به هوشع گفت که نام پسرش را لو-عمی بگذارد، نه قوم من، زیرا شما قوم من نیستید و من خدای
شما نخواهم بود. این عکس وعده عهد است، انکار وعده عهد.

آیه ۸، حتی پس از اینکه جومر مرتکب زنا می‌شود، خدا به هوشع می‌گوید که او را برگرداند. دوباره برو، به زنی
که زناکار است عشق بورز، همانطور که من، خداوند، بنی اسرائیل را دوست دارم، حتی اگر آنها به خدایان
دیگر روی آورند. رابطه هوشع با جومر آینه‌ای از رابطه اسرائیل با خداوند است.

کتاب با دعوت خداوند از قومش به توبه و تأکید مجدد بر عشق خود به آنها به پایان می‌رسد. او خدایی بردبار
است. وای! هوشع ۱۴: ۱ تا ۴. هوشع به لطف خداوند نسبت به قومی لجوج که بت‌ها را بیشتر از او دوست
دارند، شهادت می‌دهد.

داستان روت سرشار از رحمت خداست. او در موآب، قومی که دشمن اسرائیل بود و خدای کموش را می‌پرستید، خدایی که قربانی انسان را مطالبه می‌کرد، به دنیا آمد. او و عرفه، دور از قوم خدا، با مردان عبری که به موآب نقل مکان کرده بودند، ازدواج کردند.

برخلاف عرفه که در موآب ماند، روت به همراه مادرشوه‌رش نعومی به اسرائیل، سرزمین مادری‌اش، رفت. در آنجا، خداوند با قرار دادن روت تحت حمایت بوعز، مردی خدا ترس که به او اجازه می‌داد در مزارعش خوشه‌چینی کند، به او رحم کرد. روت با پیروی از راهنمایی نعومی، به بوعز اطلاع داد که دوست دارد همسر او شود.

او پیشنهاد او را پذیرفت و پس از انجام تشریفات قانونی، حق بازخرید زمین او و شوهرش را به دست آورد. روت پسری به نام عوبید برای بوعز به دنیا آورد که پدر بزرگ داوود پادشاه بود و بنابراین در نسل عیسی مسیح، مسیح موعود، قرار گرفت. رحمت خدا، رحمت خدا، رحمت خدا.

و چقدر زیبا. ما بعد از کتاب زشت داوران به کتاب روت نیاز داریم. اوه.

سخاوت خداوند به وفور در رفتار داوود با مفیوشت، پسر معلول یوناتان، نشان داده شده است. یوناتان پسر شائول و دوست داوود، در نبرد با پدرش کشته شده بود، اول سموئیل ۲:۳۱. داوود آرزو داشت به خاطر یوناتان به یکی از اعضای خانواده شائول مهربانی نشان دهد.

این یک نقل قول از دوم سموئیل ۹:۱ است. و اگر مفیوشت در حضور پادشاه حاضر می‌شد، رسم پادشاهان باستان این بود که خانواده رقیب، به ویژه مردان را از بین ببرند. داوود حتی به چنین چیزی فکر هم نمی‌کرد.

وقتی داوود نقشه‌هایش را برای برکت دادن به او گفت، مفیوشت فریاد زد: «بنده تو چیست که به سگ مرده‌ای مثل من علاقه داری؟» آیه ۸ از دوم سموئیل ۹. اما از طریق داوود، خدا به مفیوشت علیل نیکی کرد. داوود مزارع شائول را به او بازگرداند و برای مفیوشت تدارک دید تا همیشه بتواند سر سفره پادشاه غذا بخورد. این یک نقل قول از آیه ۱۳ است.

اگرچه صبر ایوب به یاد ماندنی است، اما صبر یکی دیگر از قدیسان عهد عتیق که اغلب نادیده گرفته می‌شود، یعنی نوح، نیز به یاد ماندنی است. نوح، دریافت کننده لطف خدا، پیدایش ۶-۸، داستان نوح حکایت صبر خداست. نقل قول: خدا در روزگار نوح صبورانه منتظر ماند در حالی که کشتی در حال آماده شدن بود.

در آن، تعداد کمی، یعنی هشت نفر، از طریق آب نجات یافتند. اول پطرس ۳:۲۰. خدا بسیار متأسف شد. نقل قول، زیرا شرارت بشر در زمین گسترده شده بود.

پیدایش ۵:۶. و او تصمیم گرفت بشریت را با سیل عظیمی نابود کند. این موضوع مورد بحث است، اما والتکه استدلال می‌کند که بهترین تفسیر از روزهای زندگی انسان ۱۲۰ سال خواهد بود.

آیه ۳ به فاصله زمانی بین این اعلام داوری و سیل اشاره دارد. به پیدایش ۵:۳۲ و ۷:۶ مراجعه کنید. داوری قریب الوقوع خدا از طریق سیل، با فیض الهی همراه است.

اول پطرس ۳:۲۰. این تأخیر ۱۲۰ ساله به مردم فرصت توبه می‌دهد و از طریق نوح و کشتی عظیمش، گواهی بر داوری قریب الوقوع است. این نقل قولی از والتکه است.

نوح، واعظ پارسایی، دوم پطرس ۲-۵، با صبر و حوصله به معاصران خود هشدار داد. من یک استاد علوم دینی داشتم که یک بار موعظه‌ای ایراد کرد. من موعظه‌های زیادی را در طول زندگی‌ام به یاد نمی‌آورم.

این یکی را یادم هست. جان گراولی در مورد نوح، واعظ موفق، موعظه‌ای ایراد کرد. می‌گویید، او ۱۲۰ سال موعظه کرد؟ و فقط خانواده خودش را داشت؟ و او گفت، بله.

و این موفقیت بزرگی بود که از جانب خدا عطا شد. جلال خدا، عظمت ذاتی و درخشان اوست که به مخلوقاتش آشکار می‌شود و پاسخ ستایش آنها را برمی‌انگیزد. به طرز شگفت‌آوری، او نه تنها باشکوه است و جلال خود را آشکار می‌کند تا ما او را در ستایش جلال دهیم، بلکه جلال خود را با مؤمنان نیز به اشتراک می‌گذارد.

حالا، یوحنا ۱۷:۲۲ و دوم قرن‌تینان ۱۸:۳ را که آیات بسیار سختی برای من هستند، بیان می‌کنم. خدا مؤمنان را از جلالی به جلال دیگر منتقل می‌کند، زیرا آنها پسر خدا را در آینه می‌بینند. خدا اکنون جلال خود را با مؤمنان به اشتراک می‌گذارد، آن را به آنها می‌دهد و در نهایت، در جلال.

دوم قرن‌تینان ۱۷:۴، دوم تسالونیکیان ۱۴:۲، موسی به عنوان شخصیتی برجسته در عهد عتیق که بیشترین آشنایی را با جلال خدا دارد، برجسته می‌شود. او با جسارت از خدا می‌پرسد، لطفاً جلال خود را به من نشان بده. خروج ۳۳-۱۸.

وای. موسی حلیم خیلی جسور شد. و خدا هم همینطور.

خروج ۳۳، آیات ۲۰-۲۳، ۳۴: ۵-۸. موسی، نقل قول، متوجه نشد که پوست صورتش در نتیجه صحبت با خداوند می‌درخشد. خروج ۳۴: ۲۹.

در واقع، نقل قول از کتاب دوم قرن‌تینان ۷:۳، بنی اسرائیل به دلیل شکوه چهره موسی نمی‌توانستند به آن خیره شوند. با این حال، خداوند بهترین‌ها را برای آخر نگه داشت.

زیرا هنگامی که خیمه تکمیل شد، نقل قول کنید، ابر، ابر جلال، پوشیده از حضور خدا، خیمه اجتماع را پوشانید و جلال خداوند خیمه را پر کرد. موسی نتوانست وارد خیمه اجتماع شود زیرا ابر بر آن قرار داشت و جلال خداوند خیمه را پر کرده بود. خروج ۳۴: ۳۰-۳۵.

شخصیت و منش خود خدا، قوم عهد عتیق او را تعریف می‌کند. نه تنها این، بلکه ما به قوم خدا و کفاره نیز نگاه می‌کنیم. خدا با فیض خود، کفاره را برای قوم عهد عتیق خود فراهم کرد.

این نیز آنها را تعریف می‌کند، زیرا از میان تمام مردمان خاور نزدیک باستان، تنها به آنها، خدای زنده و حقیقی کاهنان، قربانگاه‌ها و قربانی‌هایی داد که گناهان را پاک می‌کردند. به یاد داشته باشید، همانطور که قبلاً در این سخنرانی‌ها گفتیم، ما نه تنها باید از عهد جدید به عقب نگاه کنیم و عهد قدیم را به عنوان دوره‌ای از نابالغی و غیره نقد کنیم، درست است؟ آنها مجبور بودند همیشه قربانی بدهند و هر سال روز کفاره را اعلام کنند. اکنون مسیح آمده است و دیگر قربانی‌ای وجود ندارد.

اما انصاف نیست که آنها فقط به گذشته نگاه کنند. اگر خودمان را در موقعیت آنها قرار دهیم و به اطراف نگاه کنیم، افسوس! آنها قومی هستند که خداوند برایشان کفاره داد و بنابراین، همه کسانی که ایمان آوردند. بخشیده شدند. خداوند در آن زمان این کار را برای هیچ قوم دیگری روی کره زمین انجام نداد.

می‌دانم که او از ابتدا یک خدای مبلغ بوده است، و در پایان اسرائیل، اسرائیلی حقیقی، خداوند عیسی، خواهد آمد. متوجه هستیم. پسر ابراهیم، پسر داوود و غیره.

و انجیل قرار است در کتاب اعمال رسولان به جهان برسد، اما... و قرار بود اسرائیل نوری برای ملت‌ها باشد اما شکست خورد. اما با نگاه به اطراف، دیدم که این شخص از بین همه ملت‌ها متبرک شده است. لاویان بر قربانی‌های مقدر شده توسط خدا تمرکز دارد که بخشش را برای عبادت‌کنندگان مؤمن به ارمغان می‌آورد، به خصوص در روز کفاره.

اشعیا از بنده‌ای بی‌گناه خداوند سخن می‌گوید که قربانی‌ای بی‌نظیر تقدیم خواهد کرد. قربانی‌های لاویان ۱ تا ۶ پس از نگاهی اجمالی به قربانی‌ها، بر روز کفاره، لاویان ۱۶، تمرکز خواهیم کرد و سپس اشعیا ۵۳ را بررسی ۶. خواهیم کرد. تحلیل و خلاصه‌ای از اهداف پنج نوع قربانی در لاویان ۱:۱ تا ۶:۷ را که توسط جی. اسکالر ارائه شده است، دنبال خواهیم کرد. جی. اسکالر چند سالی رئیس دانشکده من در مدرسه علمیه کاوننت در سنت لوئیس بود.

او یکی از متخصصان جهان در کتاب لاویان است که زیر نظر پروفیسور ونهام، کتاب عهد عتیق ونهام را مطالعه کرده و تفسیری بر تیندال، تفسیری جایگزین بر لاویان و اکنون تفسیری بزرگتر و کامل‌تر نوشته است، که هر روز توسط کراسوی منتشر خواهد شد. من قصد دارم قربانی‌های مختلف، سوختنی، غله، رفاقت، تطهیر، غرامت، و سپس اهداف هر یک را شرح دهم. قربانی سوختنی در لاویان ۱: ۳ تا ۱۷ آمده است.

هدف. کفاره و یا دعا‌های درخواست یا ستایش را برجسته می‌کند. هدیه آرد، فصل ۲: ۱ تا ۱۶.

این اغلب منعکس کننده هدف قربانی سوختنی، قربانی است. ببخشید، اغلب منعکس کننده هدف قربانی همراه آن است. قربانی رفاقت، فصل ۳ از لاویان آیات ۱ تا ۱۷. بر عهد رفاقت با خداوند و دیگر بنی اسرائیل تأکید می‌کند.

قربانی تطهیر، لاویان ۴:۱ تا ۵:۱۳. کفاره برای انواع خاصی از گناهان، و استعاره‌ای از تطهیر است. قربانی جبران، ۵:۱۴ تا ۶:۷. کفاره برای انواع خاصی از گناهان، استعاره‌ای از جبران خطا.

اگرچه ما به تفاوت‌های ظریفی در اهداف پنج نوع قربانی اشاره می‌کنیم، اما آنها مفهوم کفاره گناهان قوم خود توسط خدا را به اشتراک می‌گذارند. خدا از روی لطف، تنها با اسرائیل پیمان بست و اراده خود را در مورد آیین، کل سیستم قربانی، به آنها آشکار کرد. این به این دلیل بود که آنها هرگز تقدس، گناه و عشق او را فراموش نکنند.

لاویان ۱ تا ۶ به تفصیل مسئولیت‌های مردم و کاهنان را در این زمینه شرح می‌دهد. نقش خدا اغلب فراموش می‌شود، چیزی که اسکالر برجسته می‌کند. جی. اسکالر، اسکالر، یک برادر وفادار، یک محقق بزرگ، خدای من، او می‌خواست زبان فرانسه یاد بگیرد، بنابراین یک زن فرانسوی را به دفترش آورد، می‌توانستید آنها را آنجا ببینید، و او به او درس می‌داد، بدون شک او کارهای زیادی خارج از دفتر انجام می‌داد، و سپس به مدرسه فرانسوی، مدرسه اصلاح‌شده در فرانسه، رفت، اسمش را فراموش کرده‌ام، شاید بپاید، یک مدرسه کوچک برای تدریس به زبان فرانسه، او گفت اولین باری که واقعاً سخت بود، و او گفت، ناگهان، بوم، همه چیز شروع شد.

خب، خدا موهبت‌ها را می‌دهد. خدای من. آه.

در پروانس فرانسه، اکس-آن-پروانس مکان مناسبی است. همانطور که اسکالر تأکید می‌کند، نقش خدا در کل آیین قربانی اغلب فراموش می‌شود. قربانی در واقع چیزی بود که بنی اسرائیل به خداوند می‌دادند، اما قبل از هر چیز چیزی بود که او به لطف خود به عنوان وسیله‌ای برای کفاره گناه و دستیابی به بخششی که آنها به شدت آرزویش را داشتند، به آنها داد.

این کاملاً برخلاف میل و انگیزه‌ی رایج انسان برای کسب رستگاری از جانب خداست. این یک اعلامیه‌ی جسورانه است که رستگاری تنها زمانی حاصل می‌شود که خدا، به لطف خود، آن را به ما عطا کند. اسکالر *لاویان*، تیندال، تفاسیر عهد عتیق، صفحه ۵۴.

اساساً، روز کفاره، که همچنان از اسکالر نقل قول می‌شود، فیض و بخشش خداوند را نشان می‌دهد، که قوم عهد عتیق او را تعریف می‌کند. لاویان ۱۶، مهم‌ترین روز در تقویم قربانی اسرائیل، یعنی روز کفاره را بازگو می‌کند. آر. کی. هریسون، محقق مشهور عهد عتیق، می‌نویسد که این فصل شامل محور آیینی و الهیاتی است که کل کتاب لاویان بر آن می‌چرخد.

اسکالر از تفسیر عهد عتیق لاویان تیندال هریسون نقل قول کرد، که تفسیر اسکالر بود و جایگزین کار آر کی هریسون شد! نفس نفس زدن! به هر حال، هر دوی آنها محققان برجسته‌ای هستند. پیشرفت علمی از سال آغاز شده است و جلد اسکالر در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است. پس از اینکه خدا به موسی مرگ دو ۱۹۸۰ پسر هارون را به دلیل ورود به مقدس‌ترین مکان، در حالی که هنوز از آنها نقل قول می‌کرد، در نافرمانی یادآوری می‌کند، به هارون دستور می‌دهد که چگونه به خدا نزدیک شود.

لاویان ۱۶: ۱-۵. این فصل شامل مروری بر وظایف هارون، آیات ۱-۱۰، شرح سه قربانی، آیات ۱۱-۲۸، و نهادینه کردن این آیین، از جمله دستورالعمل‌هایی برای آمادگی معنوی اسرائیل، آیات ۲۹-۳۴ است. ما بر روی سه آیین تمرکز می‌کنیم.

راستش را بخواهید، پاراگراف آخری که خواندم از اسکالر نیست. از خودم است - داستان مفصلی دارد.

روز کفاره در لاویان ۱۶. کاهن اعظم در روز کفاره سه قربانی تقدیم می‌کرد. این قربانی‌ها شامل قربانی گناه یک گاو نر برای هارون و خانواده‌اش، قربانی گناه دو بز نر و قربانی سوختنی دو قوچ بود.

یکی برای خودش، یکی برای مردم. همه اینها لاویان ۱۶ است. ابتدا، هارون قبل از نزدیک شدن به جایگاه رحمت در مکان مقدس، باید با قربانی گناه یک گاو نر، برای خود و خانواده‌اش کفاره می‌کرد.

لاویان ۱۶: ۶-۱۱. تمام نقل قول‌های دیگر از لاویان ۱۶ خواهد بود، مگر اینکه خلاف آن را بگویم. هارون مجبور شد ابری از بخور درست کند تا تخت رحمت را بپوشاند تا نمیرد.

آیات ۱۲-۱۳. هرتز توضیح می‌دهد. هرتز ماشین کرایه‌ای را دوست دارد.

جی اچ هرتز، *لاویان*. هدف، نقل قول، از دود عود ایجاد پرده‌ای بود که مانع از نگاه کردن کاهن اعظم به حضور مقدس می‌شد، مبادا بمیرد.

وای! کاهن اعظم بودن شغل بسیار مهمی است. خب، به عنوان پسران هارون، آنها در یک نمایش دسته جمعی شرکت می‌کنند. در مرحله بعد، هارون باید هفت بار مقداری از خون گاو نر را در سمت شرقی تخت رحمت بپاشد.

آیه ۱۴. دوم، هارون باید دو بز نر را به عنوان قربانی گناه قربانی می‌کرد. او یکی را قربانی می‌کند و دیگری را به بیابان می‌فرستد.

هارون اولین بز را به عنوان قربانی تطهیر برای گناهان قوم ذبح می‌کند و خون آن را بر روی تخت رحمت می‌پاشد. نقل قول: «بدین ترتیب او برای مکان مقدس، به دلیل ناپاکی‌های قوم اسرائیل و به دلیل گناهانشان، برای همه گناهانشان کفاره خواهد کرد.» او همچنین برای خیمه اجتماع، آیات ۱۶-۱۷، و برای قربانگاهی که در حضور خداوند است، آیه ۱۸ کفاره می‌کند.

گناه اسرائیل، مسکن خدا را آلوده می‌کند. خود مسکن او، با قربانگاه و مکان مقدسش. و خدا از روی لطف، برای هر دوی آنها، قربانگاه و مکان مقدس، یعنی مقدس‌ترین مکان، و برای گناهان قوم کفاره می‌کند.

گناه اسرائیل، مقدس‌ترین مکان خدا را آلوده می‌کند. و باید برای آن کفاره داده شود. هیچ چیز به اندازه‌ی کمبود در قداست اسرائیل، در قداست خدا نقص ندارد.

هارون باید دست‌هایش را روی سر بز دوم بگذارد و به تمام گناهان قوم اسرائیل اعتراف کند. به طور نمادین او آنها را روی سر بز قرار می‌دهد و آن را به بیابان می‌فرستد. بز تمام گناهان آنها را به منطقه‌ای دور دست می‌برد، جایی که قرار است آزاد شود.

لاویان ۱۶، آیات ۲۰-۲۲. آلن راس این نمادگرایی را موشکافی می‌کند. «هارون هر دو دست خود را بر بز گذاشت تا از انتقال گناه به بز اطمینان حاصل کند. سپس او تمام شرارت و شورش اسرائیل، تمام گناهان آنها را اعتراف کرد. و این گناهان بر بز گذاشته شد تا آنها را به بیابان ببرد.»

اعمال هارون به وضوح نشان دهنده قربانی جایگزین است. دست‌ها ابزار جایگزینی هستند. رفتن بز به بیابان نشان دهنده برداشتن گناهان قوم است.

به عنوان مثال، بز تمام گناهان آنها را بر دوش خود به منطقه‌ای دور افتاده خواهد برد، آیه ۲۲. سپس دو بز که در مراسم روز کفاره شرکت داشتند، قربانی‌های جایگزین برای مردم بودند. سوم، هارون می‌بایست قوچی را برای قربانی سوختنی خود انتخاب می‌کرد، آیه ۳. او همچنین می‌بایست از جامعه بنی اسرائیل دو بز نر را برای قربانی گناه و یک قوچ را برای قربانی سوختنی انتخاب می‌کرد، آیه ۵. پس از قربانی کردن دو بز، هارون می‌بایست لباس‌های کتانی خود را در مکان مقدس می‌گذاشت و غسل می‌کرد.

سپس او باید آیه ۲۴ از آیه ۲۴ را نقل می‌کرد، بیرون می‌آمد و قربانی سوختنی خود و قربانی سوختنی قوم را تقدیم می‌کرد و برای خود و قوم کفاره می‌کرد. اسکالر روز کفاره را به عنوان راه حل خدا برای گناه و ناپاکی بنی اسرائیل به تصویر می‌کشد. سهم اسکالر در پژوهش عهد عتیق در لاویان، در پایان‌نامه‌اش، صحبت در مورد چگونگی برخورد خدا با دو مشکل به طرق مختلف بود: گناه آنها و ناپاکی آنها.

آنها یکسان نبودند، اما راه حل، فیض خدا از طریق قربانی برای هر دو بود. بنی اسرائیل با یک مشکل جدی روبرو بودند. اکنون خداوند مقدس در میان آنها ساکن بود، اما گناهان و ناخالصی‌های آنها، مسکن مقدس او را آلوده کرده بود.

چگونه خداوند مقدس می‌توانست بدون اجرای عدالت خود علیه آنها، در میان آنها باقی بماند؟ از طریق یک مراسم کفاره منظم، روز کفاره، که گناهان و ناخالصی‌های بنی اسرائیل را پاک و از بین می‌برد تا آنها بتوانند در پیمان مشارکت با او ادامه دهند. سه آیین، قلب این مراسم را تشکیل می‌دادند که هر کدام به روش خود کفاره می‌دادند. این آیین‌ها، در کنار هم، به طور کامل برای بنی اسرائیل کفاره می‌کردند.

گناهان و ناپاکی‌های آنها دیگر وجود نداشت. لوح کاملاً پاک بود. با مزمور ۱۰۳ آیه ۱۲ مقایسه کنید

خدای مقدس که از گناه و ناپاکی آزرده خاطر است، خدای مهربان و بخشنده‌ای نیز هست که از پاک کردن و بخشش آن لذت می‌برد. اسکایلر، *لاویان* در باب لاویان ۱۶: ۱ تا ۳۴. روز کفاره، قوم عهد عتیق خدا را به عنوان کسانی تعریف می‌کند که او برایشان کفاره کرده و گناهانشان را بخشیده است.

همانطور که داوود بعداً در ستایش خداوند می‌سراید، نقل قول می‌کند که خداوند مهربان و بخشنده، دیرخشم و سرشار از عشق و وفاداری است. او همیشه ما را متهم نمی‌کند یا برای همیشه خشمگین نخواهد بود. او با ما مطابق گناهانمان رفتار نکرده و ما را مطابق گناهانمان مجازات نکرده است.

زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان اندازه محبت وفادارانه او نسبت به ترسندگانش عظیم است. و به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است. مزمور ۸: ۱۰ تا ۱۰.

در سخنرانی بعدی خود، به بررسی بنده قربانی خداوند در اشعیا ۵۳ خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۵، قوم خدا در عهد عتیق، خدای آنها، کفاره است.